



گوشه‌ای از :

جلوه اسلام در غرب

پیشرفت سریع و شکست انگیز اسلام در میان سیاه‌پوستان آمریکا ، جامعه‌شناسان غرب را واداشته که درباره این پدیده جدید اجتماع در آمریکا ، بکاوش و بررسی بپردازند و پیرامین منظور علاوه بر مباحث مقاله‌ای که در مطبوعات گوناگون غرب ، در این زمینه منتشر شده ، کتا بهائی نیز از طرف اساتید دانشگاهی آمریکا و شخصیت‌های علمی جامعه شناسی تألیف و چاپ شده است که برای نمونه می‌توانیم یاد کرد کتاب پر سر و صدا به نام بیرم که یکی توسط دکتر س. اریک ، لینکلن ویتام : «مسلمانان سیاه در آمریکا» *The Black Muslims in America* در بوستن منتشر شده و دیگری توسط دکتر ای. الیسن ، ادم استاد دانشگاه هاروارد تحت عنوان : « ملیت سیاه یا Black Nationism » چاپ شده است .

ما با استفاده از این دو کتاب و روزنامه و مجله سخن می‌گوییم : *Muhammad Speaks* ارگان رسمی دولت اسلام ، سیاه‌پوستان مسلمان آمریکا در آینده اطلاعات حالی در باره آنان منتشر خواهیم ساخت . مادر شماره‌های ۴ - ۶ سال پنجم این مجله تاریخچه‌ای از چگونگی پیدایش و پیشرفت نهت اسلام در میان سیاهان آمریکا ، درج کرده و هدفها و تعلیمات «تالیف جوامع» در آمریکای پاد آور شدیدی را با کتب تفصیله خواهیم یا استفاده از منابع داخلی و خارجی ، چگونگی اسلام آوردن و مسجدی کلی و با شرح دهیم .

علت این امر آنست که ما سفینه سلیمانی غرب و را فقط بخاطر آنکه اسلام آورده است ؛ همیشه مورد سرزنش و تحقیر قرار می‌دهند و هرچگونه اصل اخلاقی را در قضاوت‌های خودشان ، مراعات نمی‌کنند .

نکته‌ای که تذکار آن در اینجا ضروری است ، آنست که ما از نظر اسلامی ، بوکس و را یک ورزش صحیح و منطقی نمی‌دانیم و هر گرام نسیخ خواهیم که در مسجدی کلی ، را بخاطر آنکه ، با سلاح «تیرمان بوکس جهان» شده است مورد ستایش قرار دهیم زیرا ما اصولا این قهرمانی ظاهری را برای اولاد خارج نمی‌دانیم ، بلکه هدف ما آنست که نشان دهیم در سایه تعلیمات اسلامی ، حتی در قلب آمریکا و در سرگردانها اهم می‌توان افراد را بسوی زندگی صحیحتری

رهبری کرد .

ایشان داستان زندگی «محمد علی» را بخوانید :

نام اصلی محمد علی کلی ، «کامیوس مارسلوس کلی» بود او در یک خانواده فقیر و مسیحی سیاهپوست آمریکائی به دنیا آمد و همانند دیگر همسرنگان خود ، از محرومیتها و تبعیضها رنج برد برای امر امرایش . در همان دوره کودکی ، به یوگسلاوی آورد . . .

او در ۲۲ سالگی ، در مسقط اعلا م داشت که ، نام من بعد از این محمد علی است و من دین اسلام را برای خود برگزیده ام زیرا که معتقدم پیروی از تعالیم اسلام بهترین راه سعادت و شرفین سطح جهانی است . . . ولی عضویت او در جمعیت مسلمانان سیاهپوست آمریکا ، مدای مخالفان را در آمریکا برانگیخت و عده ای او را تهدید میکردند (۱) :

متأسفانه او پس از آنکه دین جدید خود را بر از داشت نه تنها مورد تهنیتها و تهنیتها شد بلکه در غرب از هر طرف مورد سرزنش و تیکویش قرار گرفت و همه جا کوشیدند که او را از راه جدید بازدارند . . . پس از اعلام اسلام از طرف او ، کپننزه کشیش سیاهپوست گفت : کلی بروح آمریکا لعنه زده است ، «لی مان» گفت : «امیدوارم که کلی خود را از اجساد اسلام بیرون ببرد و گریه شانس آمرمانی خود را به خاطر او نخواهد آنگاه «ادی ماچن» گفت : عضویت کلی در جمعیت مسلمانان برای آمریکا سودمند نیست و او بسکی او را بر خودت سیبای قهرمانی او را در ذهن بیرون و جوان خراب میکند او من متأسفم که او عضو این جمعیت مسلمانان شده است زیرا من مخالف مسلمانان سیاهپوست هستم و حتی یک ستاره و عضو همکرات سبای آمریکا گفت : کلی به خاطر عداوت خود مستوجب خواری و تمسیر و سرزنش است که در عمر خود آثر تحمل نکند . . . (۲)

ولی دلیرم همه تهدیدها و تحقیرها : محمد علی اعلام داشت که اصولاً خود را بدون اسلام میدانم ولی صاحبای باخبر نگاران گفت : «... مذهب اسلام در زندگی من گنجه کرد و همین مذهب کمک خواهد کرد که من کلی مشکلات اجتماعی جهان را انجام بر طرف شود ، زیرا اسلام یک امر شخصی و خصوصی نیست بلکه تهنیتی است که جهان را بشکند میآورد . . . من بسیار خوشحالم که خدای حقش را شناختم . . .» (۳)

او در یکی از مسافرتها به محله هارلم رفت و سیاهپوستان برای او کمزردند و گفتند : « کلی تو مرد بزرگی هستی ، ولی او فریاد زده که خدا از همه بزرگتر است» (۴) (تجدید صفحه ۷۱)

(۱) : روزنامه کیهان ، مورخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۴۵ ص ۱۱

(۲) : کیهان ، مورخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۴۲ ص ۱۱ (۳) : اطلاعات ، مورخ دهم اسفندماه ۱۳۴۲

(۴) : کیهان ، مورخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۴۲